

مقاله پژوهشی

بازشناسی عناصر تشکیل دهنده منظر کوچه در بافت تاریخی شهر یزد*

امین مقصودی^{***}، صبا میرزا حسین^۲، فاطمه رضائی^۲، سهیلا جباری^۳

۱. دکتری معماری منظر، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری معماری منظر، گروه معماری و هنرهای زیبا، پردیس ارس، دانشگاه تهران، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشکده معماری، دانشکده‌گان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۷ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱

چکیده کوچه در بافت تاریخی شهر ایرانی - اسلامی تنها معبر و گذری برای حرکت و جابه‌جایی بین محلات در شهر نیست بلکه اندامی است که در کنار فراهم آوردن امکان حرکت، فضایی برای مکث، تعامل، گفتگو و مواجهه انسانی است و قادر است به دلیل حضور انسان و قابلیت ادراک او، دارای معانی مختلفی نیز باشد. با در نظر گرفتن کوچه به عنوان یک منظر، این پژوهش بر آن است با بسط ادبیات مرتبط با مفهوم کوچه، عناصر تشکیل دهنده کلیت منظر کوچه را در بافت تاریخی شهر یزد به عنوان هدف اصلی خود بازشناسی کند. سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از عناصر و مؤلفه‌های پدیدآورنده کلیت کوچه در بافت تاریخی یزد، در کنار نمود کالبدی و فیزیکی خود، چه ابعاد معنایی و ذهنی را نیز شامل می‌شوند؟ روش انجام این پژوهش متشکل از دو بخش است. در بخش نخست تلاش شده است که عناصر منظرین کوچه از طریق بازدید میدانی و با استفاده از تکنیک‌های مشاهده و روش‌های جمع‌آوری داده از قبیل عکاسی، کروکی و فیلمبرداری بازشناسایی شوند. در بخش دوم نیز، این عناصر به صورت جداگانه با هدف شناخت ابعاد عینی-ذهنی آن‌ها به وسیله روش کتابخانه‌ای و استفاده از منابع نوشتاری مانند کتب و مقالات مطالعه شدند. یافته‌های این پژوهش نشان داد، منظر کوچه در بافت تاریخی یزد متشکل از معبر، دربند، ساباط، جداره، پیرنشین و درخت و گیاه است که این عناصر در کنار نمود کالبدی، دارای کارکردهای مخصوص و بار معنایی ویژه‌ای نیز در بافت تاریخی شهر یزد هستند.

واژگان کلیدی منظر، منظر شهری، کوچه، عناصر منظرین، بافت تاریخی یزد.

ارتباطات اجتماعی و حفظ حریم شخصی و خصوصی ایفاگر نقش است. کوچه‌ها در الگوهای شهر ایرانی پس از اسلام عموماً با مفاهیمی نظیر حریمیت، همسایگی و مشارکت اجتماعی همراه بوده‌اند و شکل‌گیری آن‌ها علاوه بر مباحث اقلیمی و شهری متأثر از فرهنگ و نیازهای اجتماعی شهروندان نیز بوده است؛ از این رو، کوچه در بافت‌های سنتی شهر ایرانی، نه تنها یک عنصر کالبدی، بلکه یک عنصر معنایی، فرهنگی و اجتماعی بوده است که در آن، نیازهای فردی و جمعی به طور همزمان پاسخ داده می‌شدند (Shabani & Mansouri, 2021). با توجه به این ویژگی‌ها، می‌توان این گونه بیان نمود که کوچه در بافت تاریخی شهرهای ایرانی، می‌تواند به مثابه یک پدیده منظرین مورد توجه قرار گیرد. منظر مفهومی است که به محیطی انسانی اشاره دارد که در آن عینیت فضا در نتیجه ترکیب با ذهنیت ناشی شده از آن در طی یک

مقدمه کوچه در شهر ایرانی - اسلامی مفهومی کلیدی است که نقشی بسیار برجسته را ایفا می‌کند. این اندام در بافت سنتی شهرهای ایرانی تنها به مثابه یک گذر یا معبر عمل نمی‌کند بلکه به فضایی چندبعدی است که کارکردهای چندگانه را برای ساکنان شهر به ارمغان می‌آورد (Shabani & Mansouri, 2021). کوچه به عنوان یک معبر یا گذرگاه مهمترین فضای جمعی است که نقش اساسی در ایجاد خاطره مشترک، هویت جمعی و تحقق جامعه همسایگان در محلات ایرانی بر عهده دارد (Mansouri, 2013). این فضا، همزمان قلمروی خصوصی و عمومی بوده و در برقراری

* این مقاله حاصل طرح پژوهشی «خوانش هستی‌شناسانه منظر یزد» است که به سرپرستی دکتر «سید امیر منصوری» در سال ۱۴۰۳ در پژوهشکده هنر، معماری و شهرسازی نظر به انجام رسیده است.

*** نویسنده مسئول: amin.maghsoodi@ut.ac.ir, ۰۹۱۶۳۳۴۶۳۷۶

است. منصوری (Mansouri, 2021) در مقاله‌ای ضمن معرفی کوچه به مثابه یک منظر، تلاش کرد تا با متمایز کردن معبر با آن، ابعاد معنایی و ذهنی مرتبط با منظر کوچه را با رویکردی کل نگر واکاوی کند. منصوری (Mansouri, 2013) در مقاله‌ای دیگر، ضمن معرفی سازمان فضایی در شهر اسلامی ایران، کوچه را به عنوان یکی از عناصر اصلی شکل گیری ساختار فضایی در این الگوی شهرسازی ارزشمند، برجسته کرد. در پژوهشی دیگر شعبانی و منصوری (Shabani & Mansouri, 2021)، مفهوم قلمرو در کوچه، چگونگی شکل گیری و عناصر و اجزای اثرگذار بر آن را بررسی و مطالعه کردند. شعبانی و همکاران (Shabani et al., 2024) در مقاله‌ای دیگر، با تأکید مجدد بر مفهوم قلمرو در کوچه، مؤلفه‌های کالبدی و رفتاری سازنده قلمرو در محله شهرهای تاریخی ایرانی را به بحث گذاشتند. عبدی ملک کلایی و همکاران (Abdi Malek Kalaei et al., 2021)، در پژوهش خود تلاش کردند تنها مؤلفه‌های معنایی مستتر در کوچه‌های شهر ایرانی-اسلامی را از طریق مطالعه موردی بافت تاریخی شهر ساری بازشناسی کنند.

از طرف دیگر، شهر یزد به واسطه جنبه‌های برجسته معماری و شهری توجه بخش دیگری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است. در این راستا، توسلی (۱۳۶۸)، با بررسی جنبه‌های ارزشمند در بافت تاریخی شهر یزد، مجموعه‌ای از اصول و روش‌های طراحی شهری را برای مداخله ارائه کرد. در کتابی دیگر، خادم‌زاده (Khademzade, 2009)، مفهوم محله را در بافت تاریخی یزد بررسی و ضمن بازشناسی محلات تاریخی، عناصر و اجزای پدیدآورنده محله‌ها نظیر مرکز و لبه را مطالعه کرده است. علی مدرس (Modarres, 2020) نیز در پژوهش خود، ابعاد معمارانه شهر یزد از بدو شکل گیری و همچنین تحولات و دگرگونی آن را به واسطه رخداد‌های عصر مدرن از انقلاب مشروطه تا شکل گیری جمهوری اسلامی را واکاوی کرده است. عباسی هرفته و طباطبائی (Abbasi Harofteh & Tabatabaei, 2024) نیز با تأکید بر ابعاد ارزشمند کالبد معماری در بافت تاریخی شهر یزد، راهکارهای مطلوب به منظور مداخله در بافت تاریخی شهر یزد به جهت حفظ و بقای اصالت آن را ارائه کردند. عباسی هرفته و صادقیان (Abbasi Harofteh & Sadeghian, 2020) در مقاله‌ای دیگر با تمرکز بر الگوهای کالبدی همسایگی در بافت تاریخی یزد، مجموعه‌ای از اصول طراحی معمارانه و شاخص‌های کیفی را به منظور ارزیابی روابط همسایگی در این واحدها معرفی کردند. همچنین یزدی و همکاران (Yazdi et al., 2021)، در مقاله خود با مطالعه خانه‌های قاجاری در بافت تاریخی شهر یزد، رابطه بین اجزای کالبدی خانه‌های بومی در اقلیم گرم و خشک را بررسی کردند. علاوه بر این‌ها بهزادفر و نورمحمدزاد (Behzadfar & Nourmohammadzad, 2011)، در مقاله‌ای با بهره‌گیری از مفهوم «ساخت» مدل مفهومی را

فرایند ادراکی سیال و پیوسته، به گونه‌ای از مکان تبدیل می‌شود که دیگر تنها واجد ابعاد فیزیکی و کالبدی نیست بلکه به واسطه خوانش انسانی از آن، به طور همزمان ابعاد ذهنی را نیز شامل می‌شود که این ذهنیت اساساً در پیوند با عینیت محیط است و به نحوی که تفکیک و جدایی بین دو بعد تشکیل دهنده منظر اساساً امکان پذیر نمی‌باشد (Atashinbar, 2009).

کوچه به عنوان یک منظر، متشکل از مجموعه‌ای از عناصر است که در کنار یکدیگر کلیت منظرین آن را پدید می‌آورند. در واقع این عناصر علاوه بر نمود فیزیکی، دربردارنده و تولیدکننده مجموعه‌ای از ابعاد معنایی و ذهنی‌اند که در یک فرایند تاریخی، به واسطه مواجهه انسان با آن‌ها و در راستای عوامل طبیعی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و اقلیمی و ... به وجود آمده‌اند. این پژوهش، با در نظر گرفتن کوچه به مثابه یک نمونه منظرین، بر آن است تا عناصر و مؤلفه‌های تشکیل دهنده منظر آن را مطالعه و بررسی کند، تا از این طریق ضمن بسط و توسعه مفهوم آن در ادبیات منظر، شناختی کل نگر از کوچه و عناصر منظرین آن را ارائه کند. برای این منظور، این پژوهش بر بافت تاریخی شهر یزد به عنوان یکی از نمونه‌های برجسته شهر ایرانی-اسلامی متمرکز شده است. شهر یزد یکی از قدیمی‌ترین و منحصربه فردترین شهرهای ایران است که به دلیل ویژگی‌های خاص معماری و بافت تاریخی خود عنوان نخستین شهر تاریخی ایرانی در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است. این شهر شامل الگوهای چشم‌گیری از اندام کوچه در شهر ایرانی-اسلامی است که می‌توانند در راستای فرایند مطالعاتی این پژوهش و به منظور شناخت عناصر منظرین کوچه بررسی شوند.

هدف و سؤال پژوهش

بنابر آنچه که گفته شد، این پژوهش بر آن است تا با بسط مفهوم کوچه در شهر ایرانی-اسلامی به عنوان یک منظر، با مطالعه‌ای کل نگر، عناصر و مؤلفه‌های عینی-ذهنی تشکیل دهنده منظر آن را بازشناسایی کند تا از این طریق ضمن مشارکت در گسترش ادبیات مرتبط در بدنه پژوهشی مرتبط، عناصر ارزشمند تشکیل دهنده این عنصر شهری را به عنوان یک کل در بافت تاریخی شهرهای ایرانی را معرفی و برجسته کند. در این راستا، سؤال اصلی که این پژوهش تلاش می‌کند در فرایند مطالعاتی خود به آن پاسخ دهد، عبارت است از عناصر و مؤلفه‌های پدیدآورنده کلیت کوچه، در کنار نمود کالبدی و فیزیکی خود، چه ابعاد معنایی و ذهنی را نیز شامل می‌شوند و این ابعاد در کنار یکدیگر، چگونه ادارک منظر کوچه را شکل می‌دهند؟

پیشینه پژوهش

کوچه در شهرهای تاریخی ایرانی به واسطه جنبه‌های ارزشمند آن، همواره یکی از موضوعات مورد علاقه محققان ایرانی بوده

به‌منظور مطالعه ساخت‌شناسی کالبدی در بافت تاریخی شهر یزد بررسی کردند.

با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در بدنه تحقیقاتی مرتبط با عنوان این مقاله می‌توان بیان کرد که توجه به جنبه‌های منظرین کوچه در بافت تاریخی شهر یزد و همچنین شناسایی عناصر تشکیل‌دهنده منظر آن کمتر در این پژوهش‌ها مورد توجه بوده‌اند، بر همین اساس نیز، این مقاله می‌کوشد تا ضمن بسط ادبیات پژوهشی در زمینه مفاهیم کوچه و منظر، در راستای پاسخ‌دهی به این شکاف تحقیقاتی عمل کند.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر ماهیت در دسته پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد و روش انجام آن به‌طور کلی شامل دو مرحله است. در مرحله نخست این پژوهش، تلاش شد تا عناصر پدیدآورنده منظر کوچه در بافت تاریخی شهر یزد شناسایی شوند. برای این منظور، در بازه زمانی بین ۳۱ اردیبهشت تا ۳ خرداد ماه سال ۱۴۰۳، بازدید میدانی از بافت تاریخی شهر یزد توسط نگارندگان مقاله انجام شد. در طی این بازدید، با استفاده از روش مشاهده و با بهره‌گیری از ابزارهایی نظیر کروکی، عکاسی و فیلم‌برداری، عناصر پدیدآورنده منظر کوچه شناسایی شدند. در گام بعدی این مرحله، این عناصر، براساس نمود (کیفیت) و همچنین فراوانی آن‌ها (کمیت) در بافت تاریخی شهر یزد بررسی شدند تا آن دسته از عناصری که نقش پررنگی تری را در شکل‌گیری منظر کوچه ایفا می‌کنند، بازشناسایی شوند. در مرحله دوم این پژوهش و پس از شناسایی عناصر تشکیل‌دهنده منظر کوچه، ابعاد منظرین هر یک از این عناصر به‌صورت جداگانه مطالعه شدند. برای این منظور، در این مرحله از فرایند پژوهشی با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و همچنین رجوع به منابعی از قبیل کتاب و مقاله تلاش شد داده‌های مرتبط با این عناصر جمع‌آوری شوند. این داده در مرحله بعدی و پس از تلخیص‌شدن، براساس اینکه چه ابعاد عینی و ذهنی را در ارتباط با عناصر منظرین کوچه بحث می‌کنند، تجزیه و تحلیل شدند. در گام آخر، پس از طبقه‌بندی داده‌های تحلیل‌شده، یافته‌های این پژوهش با استفاده از شیوه توصیفی عرضه شدند.

مبانی نظری پژوهش

• مفهوم منظر

منظر قسمتی از محیط است که انسان در آن ساکن است و به‌واسطه ادارکاتش، آن را درک می‌کند (Maghsudi et al., 2020). منظر تأثیر زیادی بر کیفیت زندگی انسانی دارد و با فهم او از الگوها و فرایندهای سازنده محیطی و شناخت زیبایی به‌صورت مستقیم مرتبط است (Atashinbar, 2009). بنابراین منظر مفهومی است که به نوعی از ارتباط انسان با محیط

اشاره دارد که در طی آن واقعیت برآمده از ترکیب یک عینیت با حالتی که این عینیت به‌مثابه آن نمایش داده می‌شود، قابل درک است (Mansouri & Shafia, 2020). به‌واسطه این ارتباط انسانی است که محیط به منظر تبدیل می‌شود و به‌عنوان پدیده‌ای مکان‌مند تفسیر می‌شود که نه تنها واجد ابعاد بیرونی است بلکه دارای ابعاد ذهنی است که در ساختار ادارکی مخاطب آن، یعنی انسان مسکون، شکل می‌گیرد (Hemmati & Saboonchi, 2021). از این‌رو، منظر را باید گونه‌ای از مکان دانست که دارای ابعاد و ویژگی‌های تمایزبخش است (Maghsoudi et al., 2024). منظر به‌عنوان یک مکان محصول تعامل انسان و محیط در فضاهای بیرونی و محصول تجربه انسان در فضا و عرصه‌ای میانی، حد واسط فضای معماری و شهری است که در طول تاریخ، در نتیجه تعامل انسان و محیط، به دست جامعه و در چارچوب اقتضائات طبیعی و تاریخی، فرهنگی، آیینی و اقتصادی و ... به وجود آمده است (منصوری، ۱۳۸۹).

• منظر شهری

منظر شهر، گونه‌ای از انواع منظر است که براساس نظر جان ترنر، اساسی‌ترین رکن شهر است و چیزی است که انسان از شهر به‌عنوان یک محیط ساخته‌شده درک می‌کند (ibid.). منظر شهر واقعیتی حاصل از درک مظاهر گوناگون و ملموس شهر اعم از بناها، فضاها، فعالیت‌ها، صداها، بوها و ... در هنگام مواجهه فرد با پدیده شهر است (صالحی‌نیا و نیرومند، ۱۳۹۷). بر همین اساس، منظر شهری را می‌توان ادارک سیال شهروندان از شهر دانست که با نمادها و مصادیق فیزیکی دارای جنبه‌های تاریخی و نمایش‌دهنده حوادث اجتماعی، مرتبط است و سلسله‌مراتب قلمروهای ادراکی فضا را در ارتباط با زندگی اجتماعی، تاریخی و کارکرد شهر منعکس می‌کند. منظر شهری مفهومی گسترده‌تر از کالبد فیزیکی را شامل می‌شود و تنها بر جنبه قابل دیدن عناصر «کالبدی» در شهر یا سیمای شهر تأکید ندارد (Karimi et al., 2023). منظر شهری شامل جنبه‌های فضایی و ویژگی‌های مکان شهری است (امین‌زاده، ۱۳۹۴) که از طریق تجربه و در تعامل میان انسان و محیط آشکار می‌شوند و به‌مثابه پدیده مشترک میان کالبد، رویدادها و ذهنیت ساکنان بروز می‌یابد (Majidi et al., 2019). به همین دلیل، منظر شهری دارای دو وجه توأمان عینی-ذهنی قابل ادارک محیط است که محصول تعامل میان اجزای مشکله آن است (Karimi et al., 2023). اجزای منظر شهری به‌واسطه کیفیت مکان بودن منظر و براساس مدل مفهوم مکان ادوارد رلف، می‌توانند به‌طور همزمان از سه بعد کالبد، کارکرد (فعالیت) و معنا تشکیل شوند که ابعاد کالبد و کارکرد در حوزه عینیت و بعد معنا در حوزه ذهنیت منظر شهری قابل بررسی است (Heidari et al., 2014). این سه

مصاحبه شخصی، ۱۸ آذر، ۱۴۰۳). کوچه‌ها در شهر ایرانی به‌عنوان رگ‌های حیاتی شهر، نقش بسیار مهمی را نیز در حفظ هویت شهری ایفا می‌کنند. کوچه‌های یک شهر اغلب حامل تاریخ و خاطرات آن شهر هستند که حکایت از گذشته و تحولات یک شهر دارند؛ از این‌رو، آن‌ها فضایی بسیار مهم و برجسته برای تجربه‌های مشترک و ایجاد خاطره جمعی و همچنین تحقق جامعه همسایگی است (Mansouri, 2021). بنابراین حفظ کوچه در بافت تاریخی شهرها امری بسیاری ضروری و مهم است و می‌توان آن را به معنای حفظ حافظه تاریخی یک شهر دانست (ibid.).

از طرف دیگر، کوچه فضایی است حرکت فرد در سازمان فضایی شهر را امکان‌پذیر می‌کند، حرکتی از آستانه فضای خصوصی خانه یعنی «در» آغاز می‌شود و تا عمومی‌ترین عرصه‌های فضای شهری نظیر بازار و میدان ادامه می‌یابد. این نقش فضایی در ایجاد ارتباط بین عرصه خصوصی تا عرصه عمومی، جایگاه خاصی را برای کوچه در ساختار محله اختصاص می‌دهد (Shabani & Mansouri, 2021). در این جایگاه، کوچه علاوه بر فراهم کردن دسترسی و جابه‌جایی افراد، فضایی است که بسیار از رویدادها و تحولات فرهنگی و اجتماعی نظیر مراسمات آیینی، گردهمایی‌های مذهبی، تجمع افراد یا بازی‌های کودکانه را نیز در خود شامل می‌شود و به عنصر کلیدی در شکل‌گیری فرایند جهت‌دهی، نظام مسیریابی و خوانش فضای شهری برای انسان‌ها تبدیل می‌شود و شکل‌گیری ارتباط هویتی افراد با محیط را امکان‌پذیر می‌سازد (ibid.). در نتیجه این امر، کوچه‌ها به عاملی برای یادآوری آنچه که در فضای شهری توسط انسان‌ها دیده یا تجربه شده است بدل می‌شوند (von Meiss, 2008). بنابراین کوچه‌ها علاوه بر آنکه عنصری کلیدی در استخوان‌بندی و ساختار محله‌ها محسوب شوند، نظم زیربنایی و ادراکی ساکنان از ساختار محله و شهر را نیز پدید می‌آورند (حبیبی، ۱۳۸۲).

بنابر آنچه که گفته شد، کوچه یک منظر است که به‌واسطه واقع شدن در بستر شهری می‌تواند به‌عنوان یک منظر شهری نیز مورد توجه قرار گیرد. این منظر شهری در گام نخست با عناصر کالبدی پدید می‌آید و با کارکرد، رویدادها و معانی که می‌یابد به‌صورتی خاص ادراک می‌شود و در ادامه فهم خاص ساکنان از محله و شهر را براساس خاطره جمعی، تبادل فرهنگی، تعامل اجتماعی و رویدادپذیری باعث می‌شود.

یافته‌های پژوهش

• عناصر تشکیل‌دهنده منظر کوچه

- معبر

معبر در واقع بخشی از کوچه است که امکان حرکت و جابه‌جایی را فراهم می‌کند. معابر اساساً در بافت تاریخی شهر یزد به دو دسته قابل تقسیم‌اند، معابر فرعی که در بستر کوچه‌ها واقع می‌شوند که دارای عرض بسیار کمی هستند و همچنین معابر

بعد در عناصر تشکیل‌دهنده منظر شهری در هم تنیده‌اند، به‌نحوی که تفکیک کردن آن‌ها از یکدیگر اساساً امکان‌پذیر نیست. به عبارتی دیگر، انسان در هر زمان، با حضور در شهر و فضای شهر، با منظر شهری که متشکل از مجموعه‌ای از عناصر مواجه می‌شود، این عناصر هر یک خود تلفیقی از کالبد و کارکرد و همچنین شناخت، ارزیابی، قضاوت، معنا و در نهایت ادراک مخاطب از آن است. منظر شهری با دارا بودن دو وجه «توأم» عینی-ذهنی، از طریق خوانش عناصر کالبدی در فضای شهر به‌وسیله حواس انسانی و براساس تجربیات، احساسات و دیدگاه‌های او در طول زمان که با تکرار و ایجاد خاطرات، تأکید بر فرهنگ و تجارب انسانی معنا می‌یابد (Karimi et al., 2023).

• کوچه به مثابه یک منظر شهری

از نظر لغوی، کوچه از ترکیب دو کلمه «کوی» و «چه» تشکیل شده است. کوی در زبان فارسی به معنای محله، برزن یا قسمتی از فضای شهر است، از طرفی دیگر، «چه» نیز پسوندی کوچک‌ساز است. به همین دلیل، کوچه را می‌توان محله یا برزن کوچک دانست. با در نظر گرفتن این معنا، می‌توان بیان کرد که این واژه از نظر لغوی، علاوه بر مفهوم حرکت که در بستر کوچه قابل درک است، به‌طور هم‌زمان به مفهوم مکث و توقف در این فضای شهری اشاره دارد (Shabani & Mansouri, 2021). کوچه اساساً گونه‌ای از راه است، باین حال، بنابر بار معنایی نهفته در ساختار واژگانی این کلمه، نمی‌توان آن را تنها به‌مثابه یک مسیر که دو نقطه را به یکدیگر متصل می‌کند، مورد توجه قرار داد؛ به عبارتی دیگر، این فضای شهری دارای جنبه‌های کیفی و معنایی است که آن را از مسیر متمایز می‌کند (Barati & Zarringhalam, 2013). کوچه در زبان و فرهنگ ایرانی با صفات کیفی گوناگونی همراه شده است، به‌عنوان مثال، کوچه آشتی‌کنان، کوچه بن‌بست، کوچه ناگذاره، کوچه باغ، کوچه بازار و ... در تمامی این ترکیب‌های زبانی، کوچه دارای کیفیتی است که به مانند خیابان تنها بر گذر و حرکت تأکید ندارد بلکه نوعی فعالیت و کیفیت فضایی را نیز به همراه دارد که برآمده از تجارب جمعی و حافظه تاریخی اجتماع است (ibid.).

کوچه در شهر ایرانی، به‌مثابه مکان زندگی جمعی است. در واقع کوچه‌ها از دیرباز مکان‌هایی برای تعاملات اجتماعی بوده‌اند. این عنصر شهری بستری است که مردم در آن قادرند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، اطلاعات و اخبار را ردوبدل کنند و به یکدیگر کمک کنند؛ این تعاملات اجتماعی سبب می‌شود که کوچه نقشی اساسی را در تولید و تقویت حس تعلق به مکان، حس همبستگی و ایجاد یک جامعه محلی قوی داشته باشد. کوچه مهمترین اندام ایجاد محله و در سطحی بالاتر ادراک شهر است، چون فضایی است که بسیار تعاملات اجتماعی را ممکن می‌سازد و ادراک جمعی، روح مکان به وجود می‌آورد (سیدامیر منصوری،

یکدیگر می‌شوند (Khaksari et al., 2006). دربندها علاوه بر مجموعه همسایگی، مجموعه‌های فAMILI نیز بودند و معمولاً نسبت خویشاوندی بین ساکنان خانه‌هایی که در آن واقع بودند، برقرار بوده است و محورهایی بودند که اعضای فAMILI و خانه‌های آن‌ها را گرد هم جمع می‌کردند (Khademzade, 2009)؛ از این‌رو، در بافت تاریخی یزد، دربند را می‌توان برجسته‌ترین و شاخص‌ترین عنصر همسایگی دانست (Abbasi Harofteh & Sadeghian, 2020). دربند به دلیل ویژگی‌های کالبدی و امکانات کارکردی خاص خود، به مثابه یک حریم در بافت تاریخی شهر یزد عمل می‌کند و دارای خصوصیتی از قبیل خلوت، امنیت، انسان‌واری، آسایش اقلیمی است که باعث شکل‌گیری رابطه همسایگی قوی و فضایی دنج و به دور از هیاهو و دخالت غریبه‌ها می‌شود (ibid.).

- ساباط

ساباط از نظر لغوی و براساس نظر پیرنیا (۱۳۸۴) به مکانی برای آسایش انسانی در فضای شهری اشاره دارد. ساباط در واقع فضایی سرپوشیده در کوچه است و می‌تواند با استفاده از تیرهای چوبی؛ به شکلی مسطح یا با استفاده از قوس به شکلی طاق‌دار پوشیده شود. معمولاً اتاقی از خانه‌های همجوار روی ساباط واقع می‌شود که دارای یک یا دو بازشو بوده‌اند و از چشم‌اندازی مناسب به کوچه بهره می‌برده‌اند (همان). ساباط علاوه بر کارکرد فیزیکی خود در ایجاد سایه، فراهم کردن فضایی برای تعدیل نور خورشید، امکان مکث در کوچه و همچنین تأمین ایستایی بخشی از جداره‌های کوچه، دربردارنده مجموعه‌ای از کارکردهای اجتماعی و شهری نیز بوده است. معمولاً در محل تقاطع معابر اصلی و فرعی در بافت تاریخی شهر یزد، یک ساباط احداث شده که همراه با گشایش فضایی در نزدیکی خود، عنصری نمادین در تعیین حریم معابر اصلی و فرعی و قلمروی کوچه‌هاست. از این‌رو، ساباط نقشی اساسی را در خوانایی بافت تاریخی یزد ایفا می‌کند (Shabani & Mansouri, 2021). علاوه بر این، از نظر اجتماعی، فضای زیر ساباطها مکانی برای تعامل اجتماعی و شکل‌گیری فعالیت‌های متنوع است. در بافت تاریخی شهر یزد، در برخی از ساباطها که در محل تقاطع معابر اصلی و فرعی قرار گرفته‌اند، اجزایی نظیر سقاخانه، امام‌زاده و در مواردی حتی چند دهنه دکان قابل مشاهده‌اند که به واسطه آن‌ها، ساباط به مکانی برای مکث، توقف، تعامل اجتماعی به همراه انجام فعالیت‌های آیینی، مذهبی و اقتصادی تبدیل می‌شود (تصویر ۲).

- دیوار و جداره

دیوار در واقع عامل تمایز بین فضای عرصه عمومی و خصوصی است و عنصری است که به واسطه آن کلیت کوچه نمود پیدا می‌کند. جداره یا دیوار عنصری‌اند که محدوده کوچه (در مقطع عرضی آن) و بدنه آن را تعیین می‌کنند. مرزی است مابین مکان خانه، به عنوان محل امن و آسایش و کوچه به عنوان مکان تعامل و زندگی شهری؛ از این‌رو، باید آن را عامل جدایی‌گزینی این دو

اصلی که در دل گذرها واقع می‌شوند. گذر در واقع شاهراه ارتباطی بین بخش‌های مختلف بافت تاریخی شهر یزد است که محلات و مراکز مهم شهری را به هم متصل می‌کند و نقش عمده‌ای در حیات شهر و برقراری ارتباطات بر عهده داشتند. معبر کوچه نسبت به معبر گذر درجه عمومیت کمتری دارد اما به خودی خود عنصری ارزشمند در شکل‌گیری قلمروهای رفتاری و کالبدی در ساختار کوچه است. معبر کوچه به واسطه محلات، حدود و ثغور مالکیت‌ها معمولاً به شکلی پر پیچ‌وخم ظهور می‌یابند که همین امر سبب از بین رفتن یکنواختی، متعاقباً افزایش دعوت‌پذیری و جذب و ترغیب عابر برای حرکت در فضا و جستجو در آن می‌شود (Shabani & Mansouri, 2021). اضافه بر این، معبر کوچه، به دلیل ساختار هندسی ویژه و ارگانیک خود، در نقاط فراوانی دارای فرورفتگی‌ها یا گشایش‌هایی است که فضایی را برای مکث به صورت گروهی فراهم می‌آورد. این عرصه‌های فضایی در برخی از موارد، به مکان‌هایی برای بازی کودکان یا گفتگوی همسایگان بدل می‌شوند که برای چند لحظه در آن توقف کنند و به تعامل با یکدیگر بپردازند (ibid.) (تصویر ۱).

- دربند

دربند در واقع بخشی از کوچه است، یک بن‌بست نیمه عمومی پر پیچ‌وخم، کوتاه، باریک و در برخی از موارد دردار و سرپوشیده که به چند خانه منتهی می‌شود (Khademzade, 2009). دربند، در واقع عرصه‌ای مابین فضای خصوصی خانه و عرصه عمومی معبر کوچه است. اگرچه در گذشته برخی از دربندها دارای در بوده‌اند که شب‌ها بسته می‌شدند، بیشتر آن‌ها فاقد در هستند و صرفاً به واسطه ویژگی‌های معماری به گونه‌ای بودند که افراد غریبه امکان ورود به آن‌ها را نداشتند؛ علاوه بر این با توجه به فضای امن و اختصاصی که ایجاد می‌کردند، این امکان را به وجود می‌آوردند که بخشی از فعالیت‌های بین خانه‌های واقع شده در آن و روابط همسایگی بین آن‌ها در این فضا اتفاق بیافتد (Abbasi Harofteh & Sadeghian, 2020). در واقع این عرصه دنج و آرام به ساکنان اجازه می‌داد تا بدون مزاحمت افراد غریبه در این فضای نیمه عمومی گرد هم آیند و با هم ارتباط داشته باشند، از این‌رو، این عرصه‌ها به نحوی بخش و امتدادی از داخل خانه‌ها بوده و موجب رابطه بیشتر، نزدیکی و تعامل ساکنان با



تصویر ۱. نمایی از معبر در کوچه‌های بافت تاریخی شهر یزد، فضایی دوگانه جهت حرکت و مکث. عکس: فاطمه رضایی، ۱۴۰۳.



تصویر ۲. ایجاد سایه‌روشن توسط ساباط در بافت تاریخی شهر یزد و افزایش خوانایی شهری. عکس: صبا میرزاحسین، ۱۴۰۳.



تصویر ۳. یکنواختی و سادگی جداره‌های کوچه در بافت تاریخی شهر یزد. عکس: فاطمه رضایی، ۱۴۰۳.

سکوه‌های دو سمت ورودی بناهای تاریخی بوده است. براساس متون تاریخی، سکوه‌های دو سمت ورودی بناها، احتمالاً معنایی دربردارنده جایگاه نشستن رهگذران، سالخوردگان و ... شامل می‌شده است (ibid.) (تصویر ۴).

- درخت و گیاه

حضور فضای سبز و گیاهان در حیاط مرکزی خانه‌های بافت تاریخی شهر یزد، امری بسیار مهم است. بااین حال، این عناصر معمولاً در فضای کوچه حضور کم‌رنگ‌تری دارند. در واقع حضور گیاهان در کوچه عموماً به شکل شاخه‌های آویزان درختی است که با عبور از دیوارهای خشتی و کاهگلی خانه مجاور، خود را در معرض رهگذران و افراد حاضر قرار می‌دهند. این درختان به‌واسطه سایه‌افکنی و زیبایی و لطافت خاص خود، کیفیت

دسته فضای متمایز در بافت تاریخی شهر یزد و عنصر کلیدی در تعریف لبه کوچه و مشخص کردن قلمروی آن محسوب کرد (Mansouri, 2016). ارتفاع دیوارها معمولاً بستگی به ارتفاعات طبقات و فضای بنای مجاور کوچه دارد، بااین حال، در بسیاری از موارد، جداره‌ها دارای ارتفاع زیادی‌اند که به‌واسطه عرض کم معبر، علاوه بر ایجاد شرایط اقلیمی و ایجاد محیطی مطبوع در فصول گرم سال، از نظر بصری فضایی محصور و تنگ را به وجود می‌آورند که با برخورداری از درجه‌ای از خلوت و امنیت، عابر را به گذر و حرکت تشویق می‌کند (Shabani & Mansouri, 2021). علاوه بر این دیوار در بدنه کوچه نمودی است از تفکر و عقاید ساکنان است. در کوچه‌های بافت تاریخی شهر یزد، دیوارهای تک رنگ، کیفیت ویژه‌ای با بافت محلات داده‌اند و سبب می‌شوند که کلیت محله، به‌مثابه یک توده واحد از ماده که به‌صورت یک باره فرم گرفته و شکل یافته است، درک شود. این دیوارها عموماً تک مصالح و ساده‌اند، عموماً خشت و گل و برخلاف بدنه ساختمان‌های جدید نه به‌صورتی گوناگون، بلکه یکنواخت و هیاو شکل گرفته‌اند که به‌واسطه اندیشه‌های مبتنی بر درون گرایی در فرهنگ شهروندان یزدی و معماری بناهای کوچه، فاقد هر گونه نمود و بازتابی از زندگی صاحبان خانه در پس خود است (Sartipi Isfahani, 2023) (تصویر ۳).

- پیرنشین

پیرنشین نوعی از مبلمان شهری در کوچه است و برای اشاره به سکوه‌های دو طرف در ورودی برخی از خانه‌ها استفاده می‌شود. پیرنیا (۱۳۸۴)، از اصطلاح «پاخره» برای توصیف دو سکوی دو سوی ورودی خانه‌های تاریخی استفاده می‌کند. این سکو عموماً برای نشستن افراد سالخورده استفاده می‌شود، تا از این طریق اجتماع‌پذیری کوچه را از طریق امکان حضور گروه‌های سنی مختلف امکان‌پذیر شود؛ علاوه بر این، پیرنشین برای مکث، توقف، رفع خستگی و تعامل بین ساکنان محله و رهگذران نیز به کار می‌رود (Mahdavi pour et al., 2013). از طرف دیگر، این سکوه‌های دوطرفه جایی برای نشستن فردی است که با صاحب‌خانه کار داشته و نیاز به آمدن به درون خانه را نداشته، همانجا می‌نشسته و با صاحب‌خانه به گفتگو و تعامل می‌پرداخته است (پیرنیا، ۱۳۸۴). بنابراین می‌توان گفت، کوچه به‌واسطه پیرنشین، به فضای شهری بدل می‌شود که برای افراد با توانایی‌های گوناگون، مفید و قابل عرضه بوده است و هیچ گروهی از استفاده‌کنندگان از دسترسی و بهره‌گیری از فضای کوچه محروم نبوده‌اند (Hosseini & Norouzi Maleki, 2012). بااین حال، اشاره به این نکته ضروری است که به نظر می‌رسد اصطلاح پیرنشین در دوره‌های تاریخی گذشته رایج نبوده است چراکه براساس نظر جلالی میلانی و همکاران (Jalali-e Milani et al., 2023)، در ادبیات معماری گذشته این واژه چنان مرسوم نبوده است و علت ایجاد آن به سبب کثرت مواجهه مردم با صحنه نشستن افراد پیر روی



تصویر ۴. پیر نشین به‌مثابه یک مبلمان شهری و افزایش حضورپذیری.
عکس: فاطمه رضایی، ۱۴۰۳.

منحصر به فرد و حس سرزندگی را به فضای کوچه می‌بخشند (Naghizadeh et al., 2012). علاوه بر این، درختان نقش مهمی را در تنظیم شرایط محیطی در اقلیم گرم و خشک و تأمین آسایش اقلیمی بر عهده دارند. درختان و گیاهان سبب کاهش مؤثر تابش مستقیم اشعه‌های خورشید و بازتاب آن در فضای کوچه می‌شوند و به واسطه سایه‌اندازی بر کف و جداره‌های کوچه انعکاس و بازتاب تابش خورشید از این سطوح را کاهش می‌دهند و درجه حرارت را تعدیل می‌کنند، همچنین درختان و گیاهان به کاهش گردوغبار و وزش باد در کوچه کمک شایانی می‌کنند و سبب افزایش رطوبت محیطی می‌شوند (Afshari Basir et al., 2017). از طرفی دیگر، حضور درختان و گیاهان در کوچه، مفاهیم نمادین فرهنگی را نیز سبب می‌شود. نمود شاخ و برگ درختان و گیاهان در کوچه نشانی از بخشندگی و سخاوتمندی ساکنان خانه به کوچه، همسایگان و رهگذران است، به شکلی که آنچه در فضای داخل زیبا محسوب می‌شود به فضای عمومی نیز امتداد یابد و با دیگران به اشتراک گذاشته شود. این امر به نحوی سبب پیوند اجتماعی بین همسایگان و افراد محله می‌شود و به تقویت حس مکان منجر می‌شود. همچنین، شاخه و برگ آویزان درختان، می‌تواند نشانی از توجه به طبیعت و وجود حس طبیعت‌گرایی در میان ساکنان کوچه باشد و معانی از برکت، رشد و پیوستگی در فرهنگ ایرانی را نیز ارائه کند (تصویر ۵).

بحث

کوچه مصداقی از یک منظر شهری است، زیرا پدیده‌ای است که به صورت همزمان ابعاد عینی-ذهنی را شامل می‌شود. از طرف دیگر، این عنصر به واسطه منظر بودن خود می‌تواند نوعی از مکان نیز باشد. خود کوچه به عنوان یک کلیت منظرین و مکان‌مند از مجموعه‌ای از عناصر تشکیل شده است که این عناصر براساس مدل تحلیلی رلف در ارتباط با مطالعه پدیده‌های مکان‌مند واجد دو جنبه توأمان عینی-ذهنی‌اند. جنبه عینی این عناصر شامل ویژگی‌های کالبدی و کارکردی (یا فعالیت‌ی) است و همچنین جنبه ذهنی عناصر نیز عموماً معانی ناشی شده از آن‌ها به واسطه تعاملات انسانی در بستر فرهنگی-اجتماعی را شامل می‌شود. به طور کلی، کوچه در بافت تاریخی شهر یزد متشکل از عناصر معبر، ساباط، دربند، جداره، پیرنشین و گیاهان و درخت است. از نظر کالبدی، معبر به واسطه اقتضائات مرتبط با محدودیت مالکیت زمین عموماً به صورتی پر پیچ و خم شکل می‌یابد. کارکرد معبر دسترسی و متصل کردن کوچه با دیگر کوچه‌ها، محلات و مراکز شهری است، علاوه بر این کوچه‌ها به واسطه ساختار هندسی خود دارای گشایش‌هایی است که فضاهایی را برای گفتگو، تعامل و بازی کودکان نیز ارائه می‌دهند. همچنین معبر به واسطه کالبد منحصر به فرد خود معانی از قبیل جذابیت، پویایی، سرزندگی و دعوت‌کنندگی را تولید می‌کند. دربند دیگر عنصر

تشکیل‌دهنده منظر کوچه، از نظر کالبدی اساساً بن‌بستی کم عرض است که کارکرد مفصل شهری و پیش ورودی واحدهای مسکونی در کوچه است، باین حال، به واسطه نقش خود با معانی از قبیل امنیت، خلوت، انسان‌واری و آسایش همراه است. ساباط یکی از مهمترین عناصر منظر کوچه، نیز دارای کالبدی متشکل از فضایی سرپوشیده در محل تقاطع معابر اصلی و فرعی محسوب می‌شود که به‌مثابه یک نشانه شهری در خوانایی فضای شهر عمل می‌کند، علاوه بر این ساباط به واسطه سایه‌اندازی و ایجاد سایه‌وروشن نقشی کلیدی را در کنترل تابش خورشید در فضای کوچه و ایجاد فضایی مطلوب برای ساکنان ایفا می‌کند، همچنین ساباط یکی از مکان‌های اصلی مکث و توقف در بافت تاریخی شهر یزد به شمار می‌رود، به نحوی که فعالیت‌های مختلفی اجتماعی، آیینی و حتی اقتصادی را نیز به خود جذب می‌کند. ساباط در بافت تاریخی شهر یزد، به واسطه کارکرد و کالبد خود تولیدکننده معنایی از قبیل آشنابودن، پناه، آرامش، اشتراک و سکون است. دیواره و جداره عنصر اصلی تحدیدکننده فضای کوچه است و قلمروی آن به واسطه این عنصر تعیین می‌شود. دیوارها در فضای کوچه معمولاً عناصری مرتفع با مصالحی ساده و یکنواخت از خشت و کاهگل‌اند و کمترین میزان تزئینات را دارند. علاوه بر کارکرد لبه، دیوار به واسطه سایه‌اندازی خود، کارکرد اقلیمی نیز دارد و می‌تواند معانی مانند مرز بین بیرون و درون، سادگی، یکنواختی و هماهنگی و بی‌پیرایگی را در منظر کوچه



تصویر ۵. حضور شاخه و برگ درختان و گیاهان در کوچه و ایجاد پیوند بین درون و بیرون در بافت تاریخی شهر یزد. عکس: صبا میرزاحسین، ۱۴۰۲.

عدم آگاهی از کلیت منظر کوچه و عدم شناسایی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن، در طی فرایند توسعه شهری، با اقداماتی از قبیل تعریض و خیابان‌کشی، بسیاری از عناصر ارزشمند منظر کوچه آسیب‌های جدی را تجربه کرده‌اند. یکی از معضلات اصلی کوچه در بافت تاریخی شهر یزد، عدم دسترسی و امکان حرکت خودرو در آن است. در واقع، عرض کم و همچنین وجود موانعی مانند ساباط، باعث شده است که خودرو نتواند با سهولت به حرکت خود ادامه دهد. برای حل این معضل، کوچه‌ها از طریق تخریب جداره بیرونی خانه‌ها به‌عنوان لبه و مرز فضای کوچه تعریض شده‌اند. در نتیجه این اقدام، علاوه بر جداره، دیگر عناصر تشکیل‌دهنده منظر کوچه نیز از نظر کالبدی، آسیب‌های جدی را تجربه کرده‌اند. باین‌حال، اشاره به این نکته ضروری است که دامنه این آسیب‌ها، تنها محدود به ابعاد کالبدی منظر کوچه نمی‌شود بلکه ابعاد کارکردی و معنایی عناصر آن را نیز متأثر کرده و سبب شده است که کوچه با از دست دادن کارکردهای خود به‌عنوان فضای مکث، گفتگو، تعامل، بازی، استراحت و ... با تأکید بر نقش حرکتی آن، در برخی از نقاط تنها به‌مثابه یک مسیر و گذر برای حرکت در بافت تاریخی شهر یزد، عمل کند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با تأکید بر اندام کوچه به‌عنوان مصداقی از منظر در بافت تاریخی شهرهای ایرانی-اسلامی تلاش کرد از طریق مطالعه

تولید کند. پیرنشین، گونه‌ای از مبلمان شهری در کوچه است. این سکوی دوطرفه، دارای کارکرد فضای مکث، نشستن، استراحت و تعامل اجتماعی است و به‌دلیل اشاره به افراد کنه‌سال در ساختار واژگانی خود، می‌تواند با معانی مانند حرمت، احترام و همچنین آسایش و سکون مورد توجه قرار گیرد. درخت و گیاه، تنها عناصر غیر معماری‌اند که در منظر کوچه ایفاگر نقش‌اند. این عناصر معمولاً در پس جداره‌های خانه‌ها قرار می‌گیرند و به‌صورت غیرمستقیم در ارتباط با منظر آن واقع می‌شوند. از نظر کارکردی، این عناصر تعدیل‌گر و کنترل‌کننده شرایط اقلیمی سخت و خشن در شهر یزد محسوب می‌شوند. علاوه بر این به‌واسطه حضور خود، کارکردی زیبایی‌شناسانه را نیز در منظر کوچه دارند. درخت و گیاه اساساً در فرهنگ ایرانی عناصری با بار معنایی قوی به شمار می‌روند، از همین‌رو، نیز می‌توان آن‌ها را با معانی از قبیل بخشنده‌گی، سخاوت‌مندی ساکنان نسبت به کوچه، پیوستگی درون و بیرون، طبیعت‌گرایی، رشد و برکت مرتبط دانست (جدول ۱). متأسفانه در طی دهه‌های گذشته و در نتیجه توسعه شهری معاصر (Maghsoudi, 2019)، به‌دلیل عدم آگاهی و توجه به ابعاد چندگانه کالبدی، کارکردی و معنایی عناصر تشکیل‌دهنده منظر کوچه، در برخی از موارد و در طی فرایند توسعه شهری و بازآفرینی بافت تاریخی شهر یزد، عناصر پدیدآورنده آن در بافت تاریخی شهر یزد، دچار تخریب و نابودی شده‌اند که در نتیجه این امر، منظر کوچه دستخوش تغییرات اساسی شده است. در واقع، به‌دلیل

علاوه‌براین، عناصر شناسایی‌شده در این پژوهش، تولیدکننده مجموعه معانی در ارتباط با کوچه در بافت تاریخی شهر یزد به شمار می‌روند. مهمترین این معانی عبارتند از دعوت‌کنندگی، جذابیت، پویایی، امنیت، خلوت، آسایش، پناه، آشنائیت، آرامش، اشتراک، مرزمندی، سادگی، یکنواختی، هماهنگی، احترام و حرمت، بخشنندگی، سخاوتمندی، پیوستگی، طبیعت‌گرایی و برکت.

عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌دارند که در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منفعی برای ایشان وجود نداشته است.

این اندام در بافت تاریخی شهر یزد، ضمن بسط ادبیات مرتبط با مطالعه منظرین کوچه، عناصر تشکیل‌دهنده منظر کوچه در بافت تاریخی شهر یزد را شناسایی و ابعاد عینی-ذهنی هر یک از این عناصر را مطالعه و بررسی کند. عناصر اصلی تشکیل‌دهنده منظر کوچه که این پژوهش شناسایی کرد عبارتند از معبر، دربند، ساباط، جداره، پیرنشین و درخت و گیاه. این عناصر در کنار نمود کالبدی منحصر به فرد خود در بافت تاریخی شهر یزد، دربردارنده کارکردهای مختلفی‌اند از قبیل تأمین دسترسی و حرکت، ایجاد فضای مکث، تعامل و گفتگو، مفصل بین واحدهای همسایگی، افزایش خوانایی، تعدیل و کنترل شرایط اقلیمی و زیبایی.

جدول ۱. عناصر تشکیل‌دهنده منظر کوچه در بافت تاریخی شهر یزد و ابعاد عینی-ذهنی مرتبط با آن‌ها. مأخذ: نگارندگان.

عناصر تشکیل‌دهنده منظر کوچه	ابعاد عینی	ابعاد ذهنی
کالبد	کارکرد	معنا
معبر	ساختاری ارگانیک و پر پیچ‌وخم، کم عرض و باریک	دعوت‌کنندگی، جذابیت، پویایی و سرزندگی
دربند	بن‌بست پر پیچ‌وخم، باریک، کم عرض و سقف دار در مواردی	امنیت، خلوت، انسان‌واری، آسایش
ساباط	فضایی سرپوشیده در محل تقاطع معابر	آشنا بودن، پناه، سکون، آرامش و اشتراک
دیوار و جداره	بدنه مرتفع ساده با مصالح یکنواخت	مرز، لبه بین بیرون و درون، سادگی، هماهنگی، یکنواختی
پیرنشین	سکوئی در دو طرف ورودی	سکون، آسایش، حرمت و احترام
درخت و گیاه	شاخه‌های آویزان بر جداره خشتی و کاهگلی	بخشنندگی، سخاوتمندی، پیوستگی، طبیعت‌گرایی، رشد و برکت
	کنترل اقلیمی و زیبایی	

فهرست منابع

- امین‌زاده، بهناز. (۱۳۹۴). ارزش‌ها در طراحی منظر شهری؛ پایداری، زیبایی و هویت. دانشگاه تهران.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۸۴). آشنایی با معماری اسلامی ایران. سروش دانش.
- توسلی، محمود. (۱۳۶۸). طراحی شهری در بافت قدیم شهر یزد. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.
- حبیبی، محسن. (۱۳۸۲). چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوان‌بندی محله. هنرهای زیبا، ۱۳، ۳۲-۳۹. https://journals.ut.ac.ir/article_10657.html
- صالحی‌نیا، مجید و نیرومند، مهدیه. (۱۳۹۷). تبیین نقش مؤلفه‌های منظر حسی مبتنی بر حواس در کیفیت ادراک حسی محیطی گذر ارگ جدید تبریز. مطالعات شهر ایرانی-اسلامی، ۸(۳۱)، ۱۹-۳۱. <https://www.sid.ir/paper/523023/fa#downloadbottom>
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۹). چپستی منظر شهری. منظر، ۲(۹)، ۳۰-۳۳. https://www.manzar-sj.com/article_405.html?lang=fa
- Abbasi Harofteh, M., & Sadeghian, A. (2020). Spatial patterns of neighborhoods in the historic city of Yazd; Determinants, architectural solutions and principles of neighborhood architecture. *Bagh-e Nazar*, 16(80), 5-16. <https://doi.org/10.22034/bagh.2020.133330.3592>
- Abbasi Harofteh, M., & Tabatabaei, S. M. A. (2024). *Adobe architecture conservation guidelines (Focusing on Yazd Historic City)*. Yazd University.
- Abdi Malek Kalaei, R., Noortaghani, A., & Noortaghani, M. (2021). Recognition of the semantic components of the Iranian-Islamic city alleys; Case study: Historical context of Sari city. *Iranian Islamic City Studies*, 40(11), 55-64. <https://iic.ihss.ac.ir/en/Article/13538>
- Afshari Basir, N., Habib, F., & Mofidi Shemirani, S. M. (2017). The role of natural elements in Yazd vernacular houses. *International Journal of Urban and Rural Management*, 16(46), 297-306. <https://ijurm.imo.org.ir/article-1-1530-fa.html>
- Atashinbar, M. (2009). The continuity of identity in urban landscape. *Bagh-e Nazar*, 6(12), 45-56. https://www.bagh-sj.com/article_32.html
- Barati, N., & Zarringalam, F. (2013). The study of the semantic field of connectional spaces from the perspective of a lingo-cultural world: Case study of Persian language. *Bagh-e Nazar*, 10(24), 105-116. https://www.bagh-sj.com/article_2701.html

- Behzadfar, M., & Nourmohammadzad, H. (2011). Cognition of structure of Yazd city historic physic texture. *Architecture and Urban Planning Journal*, 3(6), 71-87. <https://www.sid.ir/paper/215835/en>
- Heidari, A. A., Motalebi, G., & Nekoeimehr, F. (2014). Finding relationship between sense of place and place attachment in student dormitory. *Journal of Fine Arts: Architecture & Urban Planning*, 19(1), 15-22. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2014.55372>
- Hemmati, M., & Saboonchi, P. (2021). Perceiver, perceived, perceptual product (evaluating experts' interpretations of the components of 'landscape' definition). *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape*, 13(56), 14-29. <https://doi.org/10.22034/manzar.2021.273356.2115>
- Hosseini, S. B., & Norouzian Maleki, S. (2012). Inclusive access to residential environments. *Soffeh*, 21(2), 87-98. https://soffeh.sbu.ac.ir/article_100355.html
- Jalali-e Milani, S., Nejadbrahimi, A., Beyti, H., & Vandshoari, A. (2023). Explaining the concept of architectural mentality through applying a hypothesis about emergence of the term, Pir-Neshin. *Journal of Fine Arts: Architecture and Urban Planning*, 28(2), 51-62. <https://doi.org/10.22059/jfaup.2023.344714.672777>
- Karimi, M., Bemanian, M. R., Ansari, M., & Mansouri, S. A. (2023). Recognition of the components of the urban landscape visual system: Elements and values. *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape*, 15(62), 72-85. <https://doi.org/10.22034/manzar.2022.306979.2156>
- Khademzade, M. H. (2009). *Historical communities of Yazd*. Sobhan-e Noor.
- Khaksari, A., Shakibamanesh, A., & Ghorbanian, M. (2006). *Urban neighborhoods in Iran*. Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Maghsoudi, A. (2019). Modernist unilateralism and the urban development policies of contemporary Iran. *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape*, 11(48), 6-13. <https://doi.org/10.22034/manzar.2019.192557.1977>
- Maghsoudi, A., Mansouri, S. A., & Haghir, S. (2024). Territorial landscape: Explaining the relationship between the concept of territory and landscape. *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape*, 16(68), 48-59. <https://doi.org/10.22034/manzar.2024.461220.2291>
- Maghsudi, A., Sarajian Nami, M., Tavakkoli Farimani, M., Nazari, Z., Haj Abdolbaghi, F., Motemasek, F., & Mojtabavi, K. (2020). City image: a reflection of urban identity: An investigation about the relationship between urban image and identity in historic tissue of Gorgan. *Journal of Art and Civilization of the Orient*, 8(27), 67-76. <https://doi.org/10.22034/jaco.2020.217716.1141>
- Mahdavi pour, H., Jafari, R., & Saadati, S. P. (2013). The role of "Jelo khan" in residential vernacular architecture of Iran. *Journal of Housing and Rural Environment*, 32(142), 3-18. <https://jhre.ir/article-1-241-fa.html>
- Majidi, M., Mansouri, S. A., Sabernejad, J., & Barati, N. (2019). The role of landscape approach in improving satisfaction with the urban environment. *Bagh-e Nazar*, 16(76), 45-56. <https://doi.org/10.22034/bagh.2019.183817.4091>
- Mansouri, S. (2016). Phenomenology of the surrounding wall in Persian garden. *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape*, 7(33), 6-13. https://www.manzar-sj.com/article_15311.html
- Mansouri, S. A. (2013). The spatial system in the Islamic city of Iran. *Journal of Art and Civilization of the Orient*, 1(1), 51-62. https://www.jaco-sj.com/article_3691.html?lang=en
- Mansouri, S. A. (2021). Alley as a "landscape". *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape*, 13(57), 3-3. <https://doi.org/10.22034/manzar.2021.142131>
- Mansouri, S. A. (2013). The spatial system in the Islamic city of Iran. *Journal of Art and Civilization of the Orient*, 1(1), 51-62. https://www.jaco-sj.com/article_3691.html?lang=en
- Mansouri, S. A. (2021). Alley as a "landscape". *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape*, 13(57), 3-3. <https://doi.org/10.22034/manzar.2021.142131>
- Mansouri, S. A., & Shafia, S. (2020). *Landscape tourism*. Mahkameh.
- Modarres, A. (2020). *Modernizing Yazd: Selective historical memory and the fate of vernacular architecture* (N. A. Sormadi & M. H. Dehghan, Trans.). Yazda. (Original work published 2006)
- Naghizadeh, M., Zare, L., & Hariri, S. (2012). The nature in the courtyard, a comparison approach in Kashan residences. *Hoviatshahr*, 6(12), 49-60. <https://sanad.iau.ir/en/Journal/hoviatshahr/Article/795396>
- Sartipi Isfahani, M. R. (2023). Wall a platform for forming dialogue in the city, how is the wall effective in democratizing the city space?. *MANZAR, the Scientific Journal of Landscape*, 15(64), 60-63. <https://doi.org/10.22034/manzar.2023.396253.2241>
- Shabani, M. M., & Mansouri, S. A. (2021). An investigation of the concept of alley territory as a cultural element in Iranian neighborhoods. *Tourism of Culture*, 2(5), 29-36. <https://doi.org/10.22034/toc.2021.263082.1035>
- Shabani, M. M., Mansouri, S. A., & Barati, N. (2024). Using local components of territory to increase the social interactions in the Navab Residential Complex. *Bagh-e Nazar*, 21(130), 35-44. <https://doi.org/10.22034/bagh.2023.323090.5089>
- von Meiss, P. (2008). *Elements of architecture from form to place* (F. Fardanesh, Trans.). Shahid Beheshti University. (Original work published 1990)
- Yazdi, Y., Mofidi Shemirani, S. M., & Etesam, I. (2021). An investigation of the relation between the structural components of the vernacular houses in hot and arid areas in Iran (Case study: Qajar houses in Yazd). *Bagh-e Nazar*, 18(96), 59-76. <https://doi.org/10.22034/bagh.2020.170445.3984>

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

مقصودی، امین؛ میرزاحسین، صبا؛ رضائی، فاطمه و جباری، سهیلا. (۱۴۰۳). بازشناسی عناصر تشکیل دهنده منظر کوچه در بافت تاریخی شهر یزد. گردشگری فرهنگ، ۵(۱۹)، ۱۶-۲۵.

DOI: 10.22034/TOC.2025.497918.1179

URL: https://www.toc-sj.com/article_215090.html?lang=en

